

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۳

موضوع: لزوم ملازمت و حرکت بر طبق سیره اهل بیت (علیهم السلام)

(سخنرانی در مدرسه علمیه امام هادی علیه السلام)

فهرست مطالب این سخنرانی:

جایگاه با اهمیت امام در فرهنگ اسلامی

هفتاد درصد شبهات بر ضد شیعه بخاطر این جریان است!

آیا امام خمینی اسم خود را در اذان وارد کرده است؟

این است جایگاه علمای پاسخگو به شبهات

هیچگاه ائمه اطهار نفرمودند مردم را به ولایت اهل بیت دعوت کنید!!

نحوه صحیح بیان معارف اهل بیت (علیهم السلام)

همه موظف هستند این روایت را بخوانند!

روایتی شنیدنی از حضرت امام رضا (سلام الله علیه)

پرشسها و پاسخها

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و این ایام شریفی که در آن قرار داریم، که متعلق به حضرت صدیقه طاهره و ایام دفاع جانانه این بزرگوار به عنوان اولین شهیده راه ولایت از اهل بیت عصمت و طهارت و هجوم به خانه آن بزرگوار و مجروح شدن آن حضرت و شهادت حضرت محسن را خدمت مولایمان حضرت بقریه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت را تسلیت و تعزیت می‌گوییم.

همچنین فرداشب، شب شهادت مظلومانه و غریبانه امام حسن عسکری (علیه السلام) است. شهادت آن بزرگوار را هم به پیشگاه مقدس فرزند بزرگوارش و پیروانش تسلیت عرض می‌کنیم.

بعد از آن، ایام شادی اهل بیت آغاز می‌شود. نهم ربیع الأول اولین روز آغاز ولایت و امامت حضرت بقریه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و میلاد باسعادت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و میلاد رئیس مذهب شیعه امام صادق است.

من این سه رخداد را به پیشگاه مولایمان حضرت ولی عصر و همه علاقه‌مندان تبریک و تهنیت می‌گوییم. خدا را به آبروی این بزرگواران سوگند می‌دهم پاداش و عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقریه الله الأعظم قرار بدهد با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

من با توجه به فرصتی که خدمت دوستان هستم در بخش اول مطالبی را تقدیم می‌کنم، سپس اگر دوستان سؤالی دارند یادداشت کنند یا به صورت شفاهی سؤال کنند ما در حد بضاعتمان پاسخ خواهیم داد.

جایگاه با اهمیت امام در فرهنگ اسلامی

با توجه به صحبت‌هایی که عزیزمان بین الصلاتین در اهمیت امامت و ولایت داشتند عرض کنیم که امام باقر (سلام الله علیه) به نقل جلد دوم کتاب «کافی» صفحه ۱۸ وقتی بحث امامت مطرح می‌شود، می‌فرماید:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّومِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَتَّذِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

امام باقر در این روایت تکلیف را کاملاً روشن می‌فرمایند. از طرف دیگر حضرت در ادامه این روایت می‌فرماید:

«فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ»

مردم چهار مورد اول را گرفتند و مورد پنجم یعنی ولایت را رها کردند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۱۸، ح ۳

حوزه‌های ما هم عمدتاً به فقه و اصول پرداختند و بحث ولایت و امامت را در حاشیه قرار دادند. الآن این سیل شبهاتی که متوجه جهان تشیع است، به ویژه در فضای مجازی توسط وهابیت و دیگر معاندین و فرقه‌های انحرافی که دارند جولان می‌دهند؛ همه به خاطر کم رنگ شدن مباحث ولایت در حوزه‌های علمیه است.

متأسفانه ما کم کاری می‌کنیم و در حوزه علمیه به آنگونه که توقع و انتظار حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است، کار نمی‌کنیم. من خیلی بی‌پرده بگویم که دوستان، غیر حوزوی‌های ما در فضای مجازی بسیار فعال‌تر از حوزویان هستند.

فضای مجازی فضایی است که مقام معظم رهبری فرمود: فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. من با بسیاری از دانشجویان و افراد عادی ارتباط دارم که در فضای مجازی چندین کانال طراحی کردند و به این شبهات جواب می‌دهند و خوب هم جواب می‌دهند.

الحق و الانصاف وقتى وارد بعضى از گروهها همانند «ندای شیعه» و «ندای اهوازیه» وارد می‌شوم، لذت می‌برم. در این گروهها طلاب هم هستند، اما ما معمولاً مشغول درس و بحث هستیم و مراقب هستیم که سریال ها و شب نشینی‌هایمان ترک نشود. آنچه توقع از ماست، بسیار بالاتر از این است.

جالب این است روایت «وَلَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْوَلَايَةِ» در منابع اهل سنت از جمله «خطط الشام» اثر «محمد کرد علی» از علمای بزرگ عراق جلد ۶ صفحه ۲۴۵ وارد شده است. او از قول «ابو سعید خدری» نقل می‌کند:

«أمر الناس بخمس فعلموا بأربع وتركوا واحدة. ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان

والحج»

سپس می‌نویسد:

«قيل: فما الواحد ألتى تركوها؟»

راوی پرسید: موردی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية على بن أبي طالب»

خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كُرِدَ عَلَى (المتوفى: ۱۳۷۲ هـ)، الناشر: مكتبة

النورى، دمشق، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۳ هـ – ۱۹۸۳ م، ج ۶، ص ۲۴۵، باب الشيعة

خیلی عجیب است! در کتاب «مناقب ابن مردویه» تعبیر بسیار زیبایی وارد شده است و می‌گوید:

«وإنها مفترضة معهن؟»

آیا ولایت علی بن ابی طالب در ردیف سایر فرایض واجب است؟

«قال: نعم»

گفت: بله.

«قال: فقد كفر الناس!!»

پرسید: آیا با رها کردن ولایت مردم کافر شدند؟

«قال: فما ذنبي!»

گفت: گناه من چیست!

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسی ابن مردویه
الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ: الثانية، ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش، چاپخانه: دار
الحديث، ص ۷۲، ح ۴۸

این موارد نکاتی بسیار ظریف است. نمی‌دانم تا به حال به روایاتی در کتب شیعه و سنی در رابطه با: «من مات بلا
امام مات میتة جاهلیة» وارد شده است، توجه داشتید یا نه. در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۳۷۸ وارد شده
است که راوی خدمت امام صادق می‌آید و عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله! اهل سنت نقل می‌کنند که پیغمبر اکرم
فرموده است:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

الكافي (ط - الإسلامية): كلینی، محمد بن یعقوب، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار
الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، نوبت چاپ: چهارم؛ ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲

«مسلم» در کتاب «صحيح» خود جلد ۳ صفحه ۱۴۷۸ این روایت را از قول «عبدالله بن عمر» نقل می‌کند و
می‌نویسد:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٤٧٨، ح ١٨٥١

«احمد بن حنبل» متوفى ٢٤١ هجرى، رهبر حنابلة در كتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد ٤ صفحه ٩٦ نقل می‌کند:

«من مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ٤، ص ٩٦، ح ١٦٩٢٢

راوی می‌پرسد: آیا اینکه اهل سنت نقل می‌کنند را پیغمبر اکرم فرموده است؟ حضرت می‌فرماید:

« الْحَقُّ وَاللَّهِ »

به خدا سوگند این سخن حق است.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ كليني، محمد بن يعقوب، محقق: غفاري علي اكبر و آخوندي، محمد، ناشر: دار

الكتب الإسلامية، تهران، ١٤٠٧ق، نوبت چاپ: چهارم؛ ج ١، ص ٣٧٨، ح ٢

«مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» وقتی به این روایت می‌رسد، می‌گوید: روایت معتبر است.

«کلینی» در جلد اول صفحه ٣٧٦ نقل می‌کند و می‌گوید:

«قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقُلْتُ قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ إِي

وَ اللَّهُ قَدْ قَالَ قُلْتُ فَكُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۳۷۶، ح ۱

در روایت دیگر دارد:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ قَالَ قُلْتُ مِيتَةٌ كُفْرٍ قَالَ مِيتَةٌ ضَلَالٍ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۳۷۶، ح ۲

بنابراین جایگاه ولایت و امامت چه از دیدگاه شیعه و چه از دیدگاه اهل سنت چنین جایگاهی است و ارزش این را دارد که ما بخشی از وقتمان را صرف این موضوع کنیم. هم بتوانیم خودمان در برابر شبهات مقاوم باشیم و هم به شبهات معاندین پاسخ بدهیم.

تنها داشتن ادله کافی برای اثبات ولایت اهل بیت کفایت نمی‌کند. شما در هر حوزه‌ای وارد شوید، صدها و هزاران شبهه در این زمینه است.

هفتاد درصد شبهات بر ضد شیعه بخاطر این جریان است!

در مؤسسه «مرکز الأبحاث العقائدية» زیر نظر آیت الله العظمی سیستانی تقریباً سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ تعداد سی یا چهل تن از اساتید و محققین حوزه علمیه جمع شدند تا شبهاتی را که در طول چهارده قرن علیه شیعه نوشته شده است را جمع‌آوری کنند.

«مرحوم فارس حسون» که در یک تصادف کشته شد، پنج هزار عنوان کتاب ضد شیعی از ایران و خارج از ایران به زبان عربی، فارسی، اردو و انگلیسی جمع‌آوری کرد.

دوستان ما، حدود ده سال تمام وقت کار کردند و شبهاتی که با جلد و صفحه جمع شد از اولین کتاب ضد شیعه که «جاحظ» متوفای ۲۵۶ هجری به نام «العثمانیه» نوشت و بعد از او «ابن تیمیه» و «دهلوی» و «قاضی عبدالجبار معتزلی» و دیگران نوشتند را جمع آوری کردند.

جالب بود در سال‌های ۱۳۷۵ که خیلی زیاد از انقلاب نگذشته بود، آقای «فارس حسون» به من گفت: شبهاتی که ما جمع کردیم و طبق بررسی‌هایی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم هفتاد درصد این کتب ضد شیعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نوشته شده است. ایشان می‌گفتند: در طول ۱۸ سال بعد از انقلاب اسلامی دو و نیم برابر چهارده قرن علیه شیعه کتاب نوشتند!!

می‌دانید دلیل این کار چیست؟! دلیل آن این است که وهابیت هشت، نه قرن تبلیغ کرد که شیعه مذهب ساخته و پرداخته یهود است، مذهب شیعه برای نابودی دین است، مذهب شیعه برای از بین بردن قرآن کریم است. «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» در جلد اول از صفحه ۲۱ تا صفحه ۲۹ وجه شبه یهود را با شیعه بیان کرده است و اصلاً شیعه را مسلمان معرفی نمی‌کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به برکت خون پاک شهیدان و نفس پاک امام راحل این فرهنگ شیعه روی آنتن رفت و دنیا مشاهده کرد که این فرهنگ غیر از فرهنگی است که وهابیت یا بعضی از افرادی که تمایل به وهابیت و سلفیت داشتند، در این هشت قرن معرفی می‌کردند.

دنیا با رویکرد گسترده اندیشمندان اهل سنت و وهابیت به مذهب شیعه مواجه شد. آن‌ها مشاهده کردند تمام آنچه که «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» و دیگران در این هشت قرن بافته بودند، با پیروزی جمهوری اسلامی ایران همگی از هم گسست.

بنابراین عکس العمل نشان دادند و شروع به کتاب نوشتن، مقاله نوشتن، روزنامه چاپ کردن، جزوه نوشتن کردند و در فضای مجازی علیه شیعه شبهاتی مطرح کردند که به قول معروف مرغ پخته هم به آن می‌خندد!!

آیا امام خمینی اسم خود را در اذان وارد کرده است؟

بنده روزی با تعدادی از دانشجویان کنار بیت الله الحرام بحث می‌کردم که صحبت «ناصرالدین قفاری» به میان آمد. او کتابی در سه جلد به نام «اصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة» دارد که رساله دکتری اوست. شاید در طول این چهارده قرن کتابی به گستردگی این کتاب علیه شیعه نوشته نشده است. کتاب این خبیث، عصاره تمام شبهاتی است که در طول این چهارده قرن علیه شیعه نوشتند.

البته آیت الله فاضل لنکرانی یک سال و نیم قبل از رحلتشان بنده را خواستند و فرمودند: این کتاب ده سال است که نوشته شده، اما نه حوزه و نه دانشگاه به این کتاب پاسخ نداده است. آستین بالا بزنید، از جده‌تان دفاع کنید و آن‌ها خودشان کمکتان می‌کنند. ما هفت سال با یک گروه بسیار توانمند شبانه روز وقت گذاشتیم و کتابی سه جلدی به نام «نقد اصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة» در رد این کتاب نوشتیم.

دوستانی که به این مباحث علاقه دارند، این فایل روی اینترنت هم به صورت html و هم به صورت pdf موجود است و می‌توانند آن را دانلود کنند. همچنین اگر به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» مراجعه کنند، با امکانات پیشرفته می‌توانند مطالعه کنند.

ایشان در جلد سوم صفحه ۱۹۵۵ تعبیر عجیبی دارد. او می‌نویسد:

«أدخل الخميني اسمه في أذان الصلوات»

امام خمینی اسم خود را در صلوات اذان اضافه کرد.

«وقدم اسمه على اسم النبي الكريم»

او اسم خود را بر اسم پیغمبر اکرم هم مقدم کرده است.

«فأذان الصلوات في إيران بعد استلام الخميني للحكم، وفي كل جوامعها كما يلي: "الله أكبر، الله أكبر

(خميني رهبر) أي أن الخميني هو القائد، ثم أشهد أن محمداً رسول الله"»

أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية - عرض ونقد -، المؤلف: ناصر بن عبد الله بن علي القفاري،

دار النشر: بدون، الطبعة: الأولى، ١٤١٤ هـ، ج ٣، ص ١١٥٤، باب ثالثاً

بنده شاید بیش از دویست جلسه با دانشجویان و مفتیان و اساتید عربستان سعودی بحث و مناظره داشتم. مجموع مباحث ما در کتاب سه جلدی «قصة الحوار الهادي» جمع آوری شده است که هر جلد حدود ٧٠٠ صفحه است. دوستان می‌توانند این کتاب را هم از سایت ببینند.

من در خصوص ادعای «قفاری» به دانشجویان گفتم: اگر این حرف را یک شترچران بیابان‌های ریاض بزند ما از او گلایه نمی‌کنیم، اما یک استاد دانشگاه برجسته مثل «ناصرالدین قفاری» در کتابی که به عنوان کتاب درسی دانشگاه مدینه مطالعه می‌شود، چنین ادعایی دارد.

من گفتم: در حال حاضر اذان به وقت ایران در رسانه‌های بین‌المللی «جام یک»، «جام دو» و «جام سه» به وقت تهران، به وقت لندن، به وقت آنکارا، به وقت لس‌آنجلس پخش می‌شود. اذان هر روز چندین مرتبه در رسانه‌های برون‌مرزی پخش می‌شود. شما که دانشجو هستید و دسترسی دارید، تحقیق کنید و ببینید آیا ادعای این آقا درست هست یا خیر؟!

اگر این کار هم برایتان دشوار هست، هر سال در ایام تمتع و عمره نزدیک به دویست هزار ایرانی به زیارت بیت الله الحرام می‌آیند. کنار هر کدام از این ایرانی‌ها بنشینید و ببینید وقتی که اذان می‌گویند چنین چیزی را هم به آن اضافه می‌کنند، یا خیر!؟

اگر آن‌ها را هم قبول ندارید، هر سال حدود بیست هزار تن از اهل سنت ایران برای زیارت خانه خدا می‌آیند. از این افراد سؤال کنید که وقتی مردم در ایران در مساجد و حسینیه‌ها اذان می‌گویند، چطور اذان می‌گویند؟ آیا این ننگ و عار نیست؟! اگر حرف دارید بیایید اعتقادات شیعه را با دلیل نقد کنید و بگذارید ما هم جواب بدهیم. چنین افترا زدن و بهتان زدن درست نیست.

همچنین «دکتر عبدالله محمد الغریب» یکی از اساتید دانشگاه الأزهر کتابی تحت عنوان «و جاء دور مجوس» دارد. معنای نام کتاب او این است که جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه دور مجوس است. ایشان در این کتاب مفصل می‌گویند: خطر جمهوری اسلامی برای اسلام از صهیونیست و یهود بیشتر است!!!

این افراد وقتی مشاهده کردند این فرهنگ در جهان منتشر شد و مردم رویکرد گسترده به مذهب اهل بیت دارند، شروع به شبهه افکنی کردند.

نکته دیگر این است که دوستان عزیز این شبهات نیاز به جواب دارد. چنین نیست که وهابیت شبهه کنند و ما هم به سادگی از کنار این شبهات عبور کنیم.

این است جایگاه علمای پاسخگو به شبهات

یقین داشته باشیم فردای قیامت اولین چیزی که از من طلبه سؤال می‌کنند، این نیست که چرا فقه خواندی تا فقیه شوی یا چرا فیلسوف نشدی؛ بلکه اولین چیزی که برای ما مطرح است موضوع دفاع از حریم ولایت است.

«وَلَمْ يَتَذَكَّرْ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

کتاب «بحار الانوار» جلد ۲ صفحه ۵ را باز کنید. روایت امام صادق (علیه السلام) بسیار روایت عجیبی است. حضرت می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابُطُونَ فِي الثُّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيثُهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا
وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ التَّوَاصِبُ»

دانشمندان پیروان ما همانند مزددارانی هستند که در برابر ابلیس و لشگرهایش صف کشیده و از یورش آن‌ها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او، بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند.

«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ»

آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند هزار هزار بار بالاتر از سپاهسانی است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر پیکار می‌کنند.

«لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أُنْدَانِهِمْ»

زیرا دانشمندان نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص

۵، ح ۸

ما امثال این روایات بیش از ۵۰ یا ۶۰ مورد داریم. ائمه اطهار (علیهم السلام) اصحاب را تشویق می‌کردند برای اینکه در این حوزه کار کنند و پاسخ بدهند. کسانی که در این حوزه کار می‌کردند، در میان اهلبیت جایگاه ویژه‌ای داشتند.

مشاهده کنید «مرحوم کلینی» روایتی را در کتاب «کافی» جلد دوم «کتابُ الْحُجَّةِ» باب «بَابُ الْإِضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ» نقل می‌کند. حدیث شماره ۴ از قول «یونس بن یعقوب» است.

عزیزان دقت کنند این روایت که بسیار مفصل است، مربوط به ایام حج است. امام صادق با اصحاب برای منا رفتند و خیمه زدند. یک مرتبه یک مرد شامی وارد خیمه حضرت می‌شود و عرضه می‌دارد:

«إِنِّي رَجُلٌ صَاحِبُ كَلَامٍ وَ فِئَةٍ وَ فَرَائِضٍ وَ قَدْ جِئْتُ لِمُنَازَرَةِ أَصْحَابِكَ»

او درخواست می‌کند که آمدم با تو و شاگردانت مناظره کنم. روایت بسیار مفصل است و من از دوستان تقاضا دارم این روایت را خوب مطالعه کنند و ببینند حضرت چه نکات ظریفی در این روایت دارد. حضرت به یونس بن یعقوب می‌فرماید:

«يا يونسُ لو كنتُ تحسِنُ الكلامَ كَلَّمْتَهُ»

امام صادق به من فرمود: ای یونس! اگر تو در علم کلام متخصص بودی، با او بحث می‌کردی!

«قَالَ يونسُ فَيَا لَهَا مِنْ حَسْرَةٍ»

یونس بن یعقوب گفت: حسرت می‌خورم که علم کلام نمی‌دانم!

سپس حضرت دستور می‌دهد:

«اِخْرُجْ إِلَى الْبَابِ فَانظُرْ مَنْ تَرَى مِنَ الْمُتَكَلِّمِينَ فَأَدْخِلْهُ»

برو بیرون بین کسی از متکلمین را می‌بینی تا بیاوری با این مرد شامی مناظره بکند؟

«قَالَ فَأَدْخَلْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَ كَانَ يَحْسِنُ الْكَلَامَ وَ أَدْخَلْتُ الْأَحْوَلَ وَ كَانَ يَحْسِنُ الْكَلَامَ وَ أَدْخَلْتُ هِشَامَ

بْنَ سَالِمٍ وَ كَانَ يَحْسِنُ الْكَلَامَ وَ أَدْخَلْتُ قَيْسَ بْنَ الْمَاصِرِ وَ كَانَ عِنْدِي أَحْسَنُهُمْ كَلَاماً»

من رفتم و حمران بن اعین که متکلم خوبی بود را آوردم. ابوجعفر احوال (مؤمن الطاق) که متکلم خوبی بود را آوردم. هشام بن سالم نیز که در کلام متخصص بود را آوردم. همچنین قیس بن ماصر که به نظر من در علم کلام از همه این‌ها باسوادتر بود را نیز آوردم.

«قیس بن ماصر» این نوع مناظره و دفاع از ولایت را از محضر امام سجاد فراگرفته است. یکی از کارهایی که ائمه اطهار در کنار دیگر معارف دینی انجام دادند، تربیت شاگردان برومند در حوزه مناظره بوده است. متأسفانه حوزه علمیه ما از اینطور مسائل فعلاً خالی است!!

جالب است و عزیزان خوب دقت کنند «و لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ» سیره امام صادق است. این همه اصحاب آمدند که خریطین فن هستند. هرکدام در حوزه خود متخصص هستند، اما هنوز قلب امام صادق آرام نگرفته است؛ گویا دنبال کسی قوی‌تر از آن‌ها هستند.

«یونس بن یعقوب» می‌گوید: خیمه حضرت پنجره‌ای داشت. حضرت دائماً پرده پنجره را بالا می‌زدند و به بیرون نگاه می‌کردند، گویا منتظر کسی بودند. حضرت سر مبارک خود را از پنجره بیرون آوردند و یک مرتبه فرمودند:

«هَشَامٌ وَ رَبُّ الْكُعْبَةِ»

حضرت در این هنگام فرمود: به خدای کعبه قسم که هشام آمد.

دیدیم امام صادق گل از گلشان شکفت و اظهار شادمانی فرمودند. زمانی که «هشام بن حکم» وارد شد، پیرمردان همگی نشستند بودند. «قیس بن ماصر» نشسته بود، «حمران بن اعین» که برای خود شخصیت بزرگی است نشستند بود.

در روایت «کشی» وارد شده است که «زراره» نشستند است، «جمیل بن دراج» و دیگران که هرکدام در حوزه تخصصی خودشان زبانزد هستند، نشستند بودند.

«قَالَ فَوَرَدَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَ هُوَ أَوْلَ مَا اخْتَطَّتْ لِحَيْثُهُ وَ لَيْسَ فِينَا إِلَّا مَنْ هُوَ أَكْبَرُ سِنًا مِنْهُ»

یونس بن یعقوب می گوید: هشام بن حکم وارد شد، در حالی که هنوز موی صورتش در نیامده بود و هر کس که در مجلس نشسته بود، از او بزرگتر بود.

او حدوداً ۱۵، ۱۶ سال بیشتر سن نداشت.

«قَالَ فَوَشِعَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَالَ نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

وقتی هشام وارد خیمه امام صادق شد، حضرت در کنار خود به او جای داد و فرمود: هشام با قلب و زبان و دستش یاور و یاری گر ماست.

آن‌ها شروع به مناظره با مرد شامی می‌کنند. همانطور که بازیکنان تیم وقتی بازی می‌کنند و مربی در نهایت نقاط ضعف و نقاط قوت بازیکنان را گوشزد می‌کند، حضرت بعد از مناظره نقاط قوت و ضعف هرکدام از متکلمین را به آن‌ها گوشزد می‌فرمایند.

حضرت به هرکدام از اصحاب از جمله «مؤمن الطاق»، «حمران بن أعین» و «قیس بن ماص» نقاط ضعف و قوتشان را بازگو فرمودند. راوی می‌گوید: من منتظر بودم تا ببینم حضرت نسبت به مناظره‌ای که «هشام بن حکم» کرد، نظری بدهند.

حضرت از مرد شامی پرسیدند: این نوجوان ما را چطور دیدی؟ مرد شامی گفت: خیلی انسان قدری است!! حضرت فرمود: او آنچنان با تو مناظره کرد که توان فروبردن آب دهان را از تو گرفت.

راوی می‌گوید: من منتظر بودم تا امام صادق اشکالات کار او را هم به او بگوید. زمانی که امام صادق به «هشام بن حکم» رسید، شروع به تعریف و تمجید کردن از او کردند و فرمودند:

«مِثْلُكَ فَلَیْكُمْ النَّاسُ فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

مانند تویی باید با مردم بحث کند. از لغزش بپرهیز که شفاعت ما پشت سر توست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۱۷۱، ح ۴

حضرت به «هشام بن حکم» فرمودند: کسانی که مثل تو در حوزه ولایت و امامت قهرمان مناظره هستند، باید با آنها مناظره کنند. مشاهده کنید چقدر ارزشمند است!

آیا امروز که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) که ما را می‌بینند و پرونده ما را مطالعه می‌کنند، به ما هم می‌فرمایند: «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»؟! آیا حضرت به ما هم می‌فرمایند: «فَاتَّقِ الرَّزَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا»؟! حضرت به بعضی افراد می‌فرمایند: «مِثْلُكَ فَلْيُكَلِّمِ النَّاسَ»؟

هیچگاه ائمه اطهار فرمودند مردم را به ولایت اهل بیت دعوت کنید!!

من تأسف می‌خورم که بعضی افراد از روی عدم آگاهی به مبانی اهل بیت ادعا می‌کنند که ائمه اطهار (سلام الله علیه) به ما دستور ندادند که مردم را به طرف امامت دعوت کنیم. این حرف اخیراً در فضای مجازی هم منتشر شده است.

من نمی‌دانم این افراد در حوزه چه چیزهای خواندند و چکار می‌کنند؟! آنها ادعا می‌کنند که ما حتی یک روایت هم نداریم که ائمه اطهار فرموده باشند مردم را به امامت و ولایت اهل بیت دعوت کنید.

من واقعاً به حال این افراد تأسف می‌خورم. حال که چند نفر امثال بنده در حوزه علمیه هستیم، برخی بدتر از وهابیت در حق ما شروع به کارشکنی و تبلیغ می‌کنند.

عزیزان دقت کنید در کتاب «کافی» جلد ۸ صفحه ۹۳ روایتی وارد شده است که صددرصد صحیح است. «علامه

مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» جلد ۲۵ صفحه ۲۲۱ به صراحت می‌نویسد:

«الحديث السادس الستون: صحيح»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۲۵، ص ۲۲۱، ح ۶۶

راوی می‌گوید به همراه «ابو جعفر أحول» (مؤمن الطاق) که در بحث و مناظره قهرمان است، خدمت امام صادق رسیدم. این شخص از آن دسته افرادی است که حضرت به وجود او افتخار می‌کند. حضرت فرمود: آیا به بصره رفتی؟ من گفتم: بله. امام صادق فرمود:

«كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ»

آیا برای مذهب شیعه تبلیغ کردی و مردم از دعوت تو استقبال می‌کردند؟

معلوم است که حضرت کسی را فرستادند تا مردم بصره را به مذهب اهل بیت دعوت کند. این در حالی است که عده‌ای از طلبه‌ها ادعا می‌کنند ما روایاتی نداریم که ائمه اطهار به ما دستور داده باشند مردم را به مذهب اهل بیت دعوت کنیم.

این کتاب «کافی» است و جزو کتب دست سوم و چهارم ما نیست که عزیزان ما اینقدر ناآگاه هستند.

«قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ»

ابو جعفر أحول می‌گوید: استقبال از اینکه مردم به طرف مذهب اهل بیت بیایند کم بود.

«فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْأَخْذَاتِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ»

حضرت فرمود: به سراغ جوانان برو، زیرا آن‌ها در هر کار خیر پیشقدم هستند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸، ص

۹۳، ح ۶۶

روایت صدرصد صحیح است؛ کاملاً مشخص است که «محمد بن یحیی» و «ابو جعفر قمی» که استاد «کلینی» است و یکی از اجلاء اصحاب است، «احمد بن محمد بن عیسی قمی» در آن زمان رئیس حوزه علمیه قم بود. «علی بن حکم» یکی از ثقات روات امام هادی و امام حسن عسکری است. «اسماعیل بن عبد الخالد» هم یکی از ثقات است. تمامی این افراد از ثقات هستند. «کلینی» بازهم در جلد ۲ صفحه ۲۱۰ در خصوص آیه شریفه:

(وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا)

و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

سوره مائده (۵): آیه ۳۲

می گوید:

«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۲۱۰، ح ۱

بازهم در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۲۱۱ روایتی نقل شده است که راوی خدمت امام صادق می آید و عرضه

می دارد:

«إِنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ وَ هُمْ يَسْمَعُونَ مِنِّي أ فَادْعُوهُمْ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ»

اهل بیتی دارم که از من حرف شنوی دارند. آیا آنها را به امر امامت دعوت کنم؟

«فَقَالَ نَعَمْ»

حضرت فرمود: بله.

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۲۱۱، ح ۱

کار بسیار فراتر از این است. من نمی‌دانم چرا بعضی از این بزرگواران جهل و عدم آگاهی خودشان را به عنوان فرهنگ اهلبیت در فضای مجازی منتشر می‌کنند!؟

در کتاب «تصحیح اعتقادات امامیه» اثر «شیخ مفید» وارد شده است که امام کاظم (علیه السلام) به «محمد بن حکیم» فرمود:

«كلم الناس و بین لهم الحق الذی أنت علیه و بین لهم الضلالة ألتی هم علیها»

سپس می‌فرماید:

«و باهلوهم فی علی بن ابی طالب ع»

در مورد امامت علی بن ابی طالب بحث و مناظره و مباحله کنید.

تصحیح اعتقادات الإمامیه، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱،

فصل فی النهی عن الجدال

همچنین در روایت صدرصد صحیح «کافی» راوی «ابو مسروق» خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌آید و عرضه می‌دارد: ما هرچه با مخالفین برای ولایت امیرالمؤمنین به آیات:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

و:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

استدلال می‌کنیم، هرکدام به نوعی توجیه می‌کنند و جواب‌های ضد و نقیض به ما می‌دهند و از ما قبول نمی‌کنند. با آن‌ها چکار کنیم؟ حضرت فرمودند:

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ»

درباره ولایت امیرالمؤمنین آن‌ها را به مباحله دعوت کنید.

راوی می‌پرسد: چطور مباحله کنم؟ حضرت راه و آداب مباحله را به او یاد می‌دهند، او می‌رود بعد مدتی بر می‌گردد و می‌گوید:

«فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يَجِيبُنِي إِلَيْهِ»

به خدا سوگند کسی را ندیدم که حاضر باشد با من مباحله کند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۵۱۴، ح ۱

نحوه صحیح بیان معارف اهل‌بیت (علیهم السلام)

نکته سوم نحوه بیان معارف اهل‌بیت است. ما در بیان مطالب اهل‌بیت و دعوت مردم به اهل‌بیت باید مطالبی را رعایت کنیم. ما پروژه شیعه سازی نداریم و صددرصد با آن مخالف هستیم، اما بحث سر این است که ما باید حقایق را بگوییم.

چند روز پیش خدمت آیت الله جوادی آملی بودیم. ایشان گفتند: اهل سنت باید ببینند که در این منابع در حد کتاب‌های خودشان در رابطه با امامت و خلافت امیرالمؤمنین چه مطالبی آمده است. وظیفه ما ابلاغ است؛ ما کاری نداریم که کسی شیعه شود یا نشود. به ما هیچ مربوط نیست.

(وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ)

و وظیفه نداری آن‌ها را مجبور (به ایمان) سازی.

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۷

اما گفتن حقایق از ضروریات است. دوستان عزیز گفتن حقایق هم باهم تفاوت دارد. بفرما و بنشین و بتمرگ با هم مخالف است.

بنده همیشه مثال می‌زنم پادشاهی خواب دیده بود که دندان‌هایش افتاده است. دستور داد یک معبر بیاورید این خواب مرا تعبیر کنند. معبر آوردند و او گفت: پادشاه به سلامت باشد؛ تمام خانواده و بستگان شما قبل از شما می‌میرند. پادشاه بسیار ناراحت و عصبانی شد و دستور داد گردن این معبر را بزنند. او باز هم آرام نشد و دستور داد معبر دیگری آوردند.

معبر دیگری آوردند و او گفت: پادشاه به سلامت باشد؛ بسیار خواب خوبی دیدید. خداوند عالم عمر حضرت پادشاه را به قدری بلند کرده است که از تمام خانواده و خویشاوندانش بیشتر است. این همان حرف بود، اما پادشاه به این شخص جایزه و هدایا داد.

نحوه بیان معارف اهل بیت هم چنین است. ما یک مرتبه در رابطه با حضرت فاطمه زهرا و حضرت امیرالمؤمنین به مخالفین توهین و ناسزا می‌گوییم که این روش اهل بیت نیست. روش اهل بیت این نیست که ما در برابر مخالفین با فحش و اهانت جلو برویم.

الآن هم ایام نهم ربیع در پیش است. آیت الله بهجت که خداوند روح ایشان را شادتر بگرداند مطلبی در این زمینه دارند. و بنده هم توفیق داشتم یک سال کامل خدمت ایشان بودم. ما ساعت دو و نیم، سه بعدازظهر منزل ایشان می‌رفتیم و جلسه خصوصی چهار پنج نفره داشتیم. بنده از این بزرگوار معارفی یاد گرفتم که در حوزه از آن معارف به گوشم نخورده است؛ نه قبل و نه بعد از آن.

ایشان تعبیری دارند که اگر شما در اینترنت هم عبارت "بهجت+عید الزهرا" را جستجو کنید، این تعبیر را در دوپست سایت خواهید یافت.

ایشان می‌گویند: اگر شما به نام عید الزهراء در قم و تهران و کاشان و اصفهان و تبریز جلساتی بگیرید و به مقدسات اهل سنت توهین کنید و آن طرف دنیا از یک شیعه هتک حرمت کنند، خون از دماغ یک شیعه بیاید یا یک شیعه را بکشند شما شریک هستید.

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی!

مشاهده کنید خطری که چندین شبکه ماهواره‌ای همانند «شبکه فدک»، «شبکه اهل بیت» و «شبکه امام حسین» برای تشیع دارند، از خطر و ضربه و هابیت بیشتر است.

بنده که حدود ۲۵، ۳۰ سال است در شبکه‌های ماهواره‌ای برنامه دارم این مطلب را با قاطعیت عرض می‌کنم. بنده در ماهواره‌های وهابی، ماهواره‌های اهل سنت، ماهواره‌های شیعه بودم و حدود هشت سال در «شبکه جهانی ولایت» حضور داشتم.

این شبکه‌های ماهواره‌ای به ظاهر شیعی، چهار پنج سال قبل در روز هفدهم ماه رمضان که روز مرگ عایشه است، جشن گرفتند و لباس قرمز پوشیدند و شعار «عایشة فی النار، عایشة فی النار» سر دادند و کف زدند.

در مقابل، در اینترنت "کلیپ + اسپایکر" را سرچ کنید. اسپایکر در حقیقت دانشکده افسری موصل بوده است. دواعش در هفته دوم، هزار و هفتصد دانشجوی شیعه را قتل عام کردند، به طوری که آن‌ها را روی زمین خواباندند و از دو طرف به رگبار گلوله بستند. همچنین عده دیگری را کنار دجله آوردند، اسلحه بر شقیقه آن‌ها گذاشتند و گفتند: «هذا انتقام عایشة فی النار!»

دواعش گفتند: این انتقام توهینی است که «شبکه فدک» به عایشه کرده است!! آیا حضرت فاطمه زهرا راضی است که ما چنین کاری کنیم که یک کار آن سبب شود هزار و هفتصد تن از جوانان شیعه را قتل عام کنند؟! اصلاً اهلبیت (علیهم السلام) چنین کاری کردند؟!!

بنده بارها به آقایانی که خود را ولایی معرفی می‌کنند و ما را هم قبول ندارند، گفتم: یک روایت صحیح به بنده نشان بدهید.

حداقل اگر در حوزه چند نفر بیشتر از همه در زمینه رجال کار کرده باشند، یکی از آن‌ها بنده هستم. بنده بیست سال در مدرسه فیضیه در پایه هشتم و نهم و دهم رجال تدریس کردم.

در حال حاضر کتاب «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» که اساتید آن را تدریس می‌کنند، تألیف بنده است. حداقل بنده بلد هستم که علم رجال را چطور می‌نویسند.

بنده گفتم: یک روایت معتبر به بنده نشان بدهید که ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به مقدسات اهل سنت در بالای منبر و مسجد سب و لعن کرده باشند. به من نشان بدهید، من بیش از شما بحث برائت را گسترش می‌دهم. از طرف دیگر ما روایات برعکس آن را هم داریم. امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» خطبه ۲۰۶ نسبت به معاویه که حضرت او را مسلمان نمی‌داند و در خطبه ۱۶ مربوط به جنگ بصره سخنرانی کرده است، می‌فرماید:

«فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَشْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ ۱۶

و کان یقول ع لأصحابه عند الحرب

اما در خطبه ۲۰۶ وارد شده است:

«سمع قوما من أصحابه یسبون أهل الشام أيام حربهم بصفین»

حضرت شنید بعضی از صحابه در ایام جنگ صفین اهل شام را سب و لعن می‌کنند.

فرمود:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید.

«وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَّرْتُمْ خَالَئَهُمْ كَانِ أَضُوبَ فِي الْقَوْلِ وَ أْبْلَغَ فِي الْعُذْرِ»

اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر و عذر پذیرتر بود.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۳، خ

۲۰۶ و من کلام له ع و قد سمع قوما من أصحابه یسبون أهل الشام أيام حربهم

روایت دیگری در کتاب «مستدرک الوسائل» وارد شده است:

«وَلَا تَتَكَلَّمُوا بِالْفُحْشِ فَإِنَّهُ لَا يَلِيقُ بِنَا وَلَا بِشِيعَتِنَا»

فحش ندهید، زیرا فحش دادن نه زینده ماست و نه زینده شیعیان ماست.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، ج ۱۲، ص ۸۲، ح ۱۳۵۷۵

حضرت می فرماید: به جای توهین و ناسزا حقایق را مطرح کنید و کارهایی که آن‌ها انجام دادند را بیان کنید.

همه موظف هستند این روایت را بخوانند!

«مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۷۱، صفحه ۲۱۷ از «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب

«اعتقادات» صفحه ۱۰۸ روایتی نقل می کند که فرمایش امام صادق است.

عزیزان از نظر رجالی روایتی که در کتاب‌های اعتقادی می آید، تمام قنطره‌های رجال را پشت سر گذاشته است.

این روایت از دیدگاه «مرحوم صدوق» صددرصد از معصومین صادر شده است و آن را به عنوان معتقدات شیعه

آورده است. یعنی تنها نقل روایت نیست که ما بررسی کنیم سند آن به چه صورت است. در روایت وارد شده است:

«وَقِيلَ لِلصَّادِقِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

به امام صادق عرضه داشتند: یابن رسول الله! شخصی در مسجد می رود و دشمنان شما و خلفای اهل

سنت را سب و لعن می کند.

حضرت فرمود:

«مَا لَهُ - لَعْنَةُ اللَّهِ - يَغْرِضُ بِنَا»

چه مرضی دارد؟ خدا او را لعنت کند. او ما را در معرض توهین دیگران قرار می‌دهد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱، ص

۲۱۷، ح ۴۷

دوستان عزیز دقت کنند روش اهل بیت ما چنین است. حال اگر کسی نمی‌خواهد این روش را قبول کند و می‌خواهد از روش شیطان استفاده کند و از روش شمر و یزید تبعیت کند، ما کاری با آن‌ها نداریم. ما تابع اهل بیت (علیهم السلام) هستیم؛ اگر اهل بیت به ما بگویند بمیرید قبول می‌کنیم و اگر هم بفرمایند بمانید باز هم اطاعت می‌کنیم.

«سدر صیرفی» خدمت امام صادق می‌رسد و حضرت به او می‌فرماید: نظر شما نسبت به ما چیست؟ «سدر» سببی را از وسط نصف کرد و عرضه داشت: والله اگر شما به من حکم کنید نصف این سیب حلال است آن را می‌خورم و اگر به من بگوییم نصف دیگر آن حرام است آن را دور می‌اندازم و در ذهنم خطور نمی‌کند که چرا امام صادق نصف این سیب را حرام می‌دانند؟! ما باید نسبت به ائمه اطهار اینطور متعبد باشیم.

چنین نباشد که عقاید خود را بر ائمه اطهار و اهل بیت تحمیل کنیم. ما نباید کاری انجام دهیم که فردا چندین نفر از شیعیان در اطراف دنیا گرفتار شوند. قطعاً حضرت فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین به این کار راضی نیستند.

روایاتی را مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه اهل بیت فرمودند:

« نَحْنُ مَعَاشِرَ بَنِي هَاشِمٍ نَأْمُرُ كِبَارَنَا وَصِغَارَنَا بِسَبِّهِمَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا »

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۷، ص

۳۲۳، ح ۱۷

این روایات صحیح نیست و مرسل است. یکی از شرایط انتساب متن به معصوم این است که سند روایت صحیح باشد. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۵۲، ح ۷

حضرت در روایت دیگری می‌فرماید:

«هِمَّةُ الشُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ وَ هِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدَّرَايَةُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص

۱۶۰، ح ۱۳

حضرت در این روایت می‌فرمایند: کار سفیهان این است که تنها روایت را می‌خوانند، اما کار علما این است که وقتی روایتی را خوانند، آن را از نظر سندی و دلالتی بحث می‌کنند.

حضرت امیرالمؤمنین در روایت «کافی» می‌فرماید: باید ببینید روایت ناسخ دارد، منسوخ دارد، مطلق دارد، مقید دارد، عام دارد، خاص دارد، به چه وجه صادر شده است، از روی تقیه صادر شده است یا خیر!؟

چنین نیست که هرکسی از راه نرسیده ادعا کند که من روایت می‌خوانم. حال «کلینی» روایتی آورده باشد؛ مگر «کلینی» گفته است که هر روایتی آوردم صحیح است؟ مگر «شیخ طوسی» یا «علامه مجلسی» گفته است که هر روایتی آوردم صحیح است؟

بنابراین به همه شما عزیزان توصیه می‌کنم که اولاً مقدمات را خوب بخوانید. اگر شما در ادبیات از جمله صرف و نحو و منطق و معانی بیان قوی نباشید، یقین بدانید در حوزه پاسخ به شبهات نمی‌توانید کار به جایی برسانید.

اصلاً یکی از شرایط فهم کلمات اهل بیت تسلط به مقدمات است. در رابطه با مسئله فقه و اصول استدلالی اگر یک طلبه ولو در حق مجتهد متجزی نباشد، نمی‌تواند خوب از عهده کار بر بیاید و ضرر چنین شخصی بیش از نفع اوست.

امام حسن عسکری نسبت به کسانی که بر روایات مسلط نیستند، سرمایه علمی ندارند، فن مناظره بلد نیستند و وارد بحث می‌شوند، فرمودند:

«لَأَنْكَ لَا تَذْرِي كَيْفَ التَّخَلُّصِ مِنْهُ فَذَلِكَ حَرَامٌ عَلَى شِيعَتِنَا»

کسی که قدرت مناظره را ندارد، تصدی مناظره برای او حرام است.

«أَنْ يَصِيرُوا فِتْنَةً عَلَى ضِعْفَاءِ إِخْوَانِهِمْ وَعَلَى الْمُبْطِلِينَ»

زیرا هم باعث می‌شود در ذهن جوانان شیعه تزلزل ایجاد شود و هم باعث می‌شود مبطلین و حامیان فکرهای باطل احساس غرور کنند.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری عليه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه

السلام، ص ۵۲۸، ح ۳۲۲

بنابراین به این مطالب دقت کنید و مقداری تلاش کنید در مبانی اعتقادی شیعه جانانه کار کنید. به همان اندازه‌ای که در فقه و ادبیات کار می‌کنید، ده برابر آن در امر ولایت و حوزه پاسخگویی به شبهات و فن مناظره کار کنید.

امروز صدای «هل من ناصر ینصرنی» حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) از تمام در و دیوار برخاسته است. اگر گوش شنوا داشته باشیم کاملاً واضح و روشن است.

مقام معظم رهبری فرمودند: "فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است"، حال چه کسی باید جوانان را نجات بدهد؟ آیا وظیفه سرمایه‌داران و سلاطین سکه‌ها هست که جوانان را نجات دهند؟ آیا وظیفه مسئولین ادارات و سازمان‌ها هستند که جوانان را نجات بدهند؟

این مسئولیت به عهده ما طلبه‌هاست که افتخار آموزش در اردوگاه آموزشی حضرت ولی عصر را داریم و یونفرم سربازی حضرت ولی عصر در تن ماست. دوستان عزیز بدانیم اگر کوتاهی کنیم، فردای قیامت کتک خواهیم خورد. کاری نکنیم که فردای قیامت خصیم ما حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) باشند. باید ببینیم امروزه تکلیف ما چیست.

بنده بارها گفتم که اگر امروز در جهان روز، بنا باشد یک واجب عینی یا تعیینی باشد، نمود آن در حوزه پاسخگویی به شبهات است. ارزش یک پاسخگو به شبهات از یک میلیون رزمنده بالاتر است. ان شاءالله عزیزان ما در این حوزه کار کنند.

روایتی شنیدنی از حضرت امام رضا (سلام الله علیه)

روایت دیگری از کتاب «بحارالانوار» اثر «مجلسی» آوردم که بد نیست عزیزان به این روایت دقت کنند. این روایت از امام رضا (علیه السلام) است. حضرت نسبت به روایت‌هایی که در رابطه با مطاعن و برائت و سب وجود دارد، مطلبی بیان فرموده است. راوی روایت «ابراهیم بن ابی محمود» یکی از اصحاب خاص امام رضاست. حضرت می‌فرماید:

«يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِنَّ مُخَالِفِينَا وَضَعُوا أَخْبَاراً فِي فَضَائِلِنَا»

یابن ابی محمود مخالفین ما سه نوع خبر در فضایل ما جعل کرده‌اند:

حال نمی‌دانیم آن فضائل و غلوه‌ها چیست، اما حضرت می‌فرماید: مخالفین ما روایاتی در غلو، ادعای الوهیت، ادعای نبوت، ادعای نزول وحی آوردند.

«أَحَدَهَا الْغُلُوُّ وَ ثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا»

نوع اول غلو، نوع دوم کوتاهی در حق ماست.

حضرت به صراحت می‌فرماید: دشمنان ما مطالبی مبنی بر غلو، ادعای الوهیت، ادعای نبوت و ادعای نزول وحی آوردند. زمانی که مردم این روایات را می‌شنوند به ما بدبین می‌شوند و می‌پندارند که امام صادق ادعای الوهیت کرده است.

«وَ ثَالِثُهَا التَّضْرِيحُ بِمَثَالِبِ أَعْدَائِنَا»

و نوع سوم تصریح به بدی‌های دشمنان ما و دشنام به آنان است.

دشمنان ما روایاتی از قول ما در مطاعن و مذمت و سب دشمنان ما جعل کرده‌اند.

«فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْغُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شَيْعَتَنَا وَ نَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا»

وقتی مردم اخبار غلو را می‌شنوند، شیعیان ما را تکفیر می‌کنند و می‌گویند: شیعه قائل به ربوبیت ما می‌باشد.

«وَ إِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا وَ إِذَا سَمِعُوا مَثَالِبَ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ ثَلَبُونَا بِأَسْمَائِنَا»

و وقتی کوتاهی در حق ما را می‌شنوند به آن معتقد میشوند و وقتی بدی‌های دشمنان ما را می‌شنوند ما را دشنام می‌دهند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۶، ص

۲۳۹، ج ۱

حضرت به صراحت می‌فرمایند: وقتی دشمنان روایتی از من در سب یکی از خلفا می‌شنوند، آن‌ها هم ما و پدران ما را سب می‌کنند.

این مطالب بسیار مهم است. در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۶۳۶ روایتی وارد شده است مبنی بر اینکه «معاویة بن وهب» یکی از ثقات اصحاب امام صادق به حضرت عرضه می‌دارد:

«كَيْفَ يُتَّبَعِي لَنَا أَنْ نَضَعُ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرًا»

در کیفیت معاشرت و تعامل میان خود و دوستان ما که امامت شما را قبول ندارند، چطور باید رفتار کنیم؟

واژه «أمر» به معنای امامت و تشیع است. در چنین روایاتی هرکجا واژه «أمر» می‌آید، معنای آن امامت و تشیع است. دوستان عزیز در بعضی از جلسات به نام عید الزهراء مطاعن و ناسزاهایی به خلفا داده می‌شود.

بنده سال ۱۳۸۲ که در مدینه بودیم، یکی از فایل‌های صوتی مراسم عید الزهراء در قم را آورده بودند، به زبان عربی ترجمه کرده بودند و در سطح عربستان سعودی با تیراژ میلیونی توزیع کرده بودند. آن‌ها نشر می‌دادند که عید الزهراء قم فحش‌های رکیک و دور از ادب به بعضی از افراد می‌دهند که اصلاً تک تک آن عبارات تعذیر دارد. اگر فردی ولو کافر هم باشد، ما نمی‌توانیم به او نسبت‌های ناروا بدهیم. امام صادق با یکی از اصحاب می‌رفتند. غلام او مقداری عقب مانده بود و آن صحابی به غلام خود گفت: ای زنازاده سریع‌تر بیا. امام صادق فرمود: چه حرفی زدی؟ مرد صحابی گفت: این‌ها مسلمان نیستند و ازدواج‌های آن‌ها نامشروع است.

حضرت فرمود: پیروان هرکدام از ادیان برای خود ازدواجی دارند. زرتشتیان ازدواجی دارند، مسیحیان ازدواجی دارند. حضرت آن شخص را از خود دور کردند و دیگر حاضر نشدند با چنین فردی نشست و برخاست کنند.

چنین نیست که اگر کسی فاسد است و او را قبول نداریم، به او نسبت‌های ناروا و فحش بدهیم. شارع مقدس ما چنین اجازه‌ای به ما نداده است. حضرت در ادامه می‌فرمایند:

«قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَيَّ أَيُّكُمْ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»

حضرت فرمودند: ببینید امامانی که به آن‌ها اقتدا می‌کنید برخوردارشان با اهل سنت چطور است و شما همان برخوردار را داشته باشید.

روش امام صادق چنین است؛ حال اگر ما قبول نداریم تکلیف ما جداست. حضرت فرمودند:

«فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَيَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»

به خدا سوگند امامان شما اگر همسایه سنی آن‌ها مریض شود به عیادت او می‌روند، اگر از دنیا بروند به تشییع جنازه او می‌روند و در دادگاه برای او شهادت می‌دهند و امانت او را حفظ می‌کنند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۶۳۶، ح ۴

حضرت در روایت بعد می‌فرماید:

«أَفْرَأُ عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يَطِيعُنِي مِنْهُمْ وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَام»

به آن دسته از شیعیانی که از من حرف شنوی دارند از قول من سلام برسان.

بنده بارها گفتم این روایت نشان می‌دهد در آن زمان هم بعضی از شیعیان حتی از امام صادق هم حرف شنوی نداشتند. حضرت به «زید شحام» می‌فرماید: به هرکدام از شیعیان که از من اطاعت می‌کنند و حرف مرا قبول دارند، سلام مرا برسان.

ذیل روایت نشان می‌دهد که در آن زمان هم بعضی افراد تند بودند و به مسجد و منبر می‌رفتند و شروع به فحاشی و اختلاف درست کردن می‌کردند.

حضرت به صراحت فرمودند: مریضان اهل سنت را عیادت کنید، در شادی‌هایشان شرکت کنید، اخلاق و برخورد خود را با آنها درست کنید.

«قِيلَ هَذَا جَعْفَرِي فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الشَّرُّورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

اگر چنین کنید می‌گویند این شخص جعفری است و خوشحال می‌شوند و می‌گویند که ادب جعفری چنین است.

در این صورت اهل سنت می‌گویند که ببینید امام صادق چه شیعیان خوبی تربیت کرده است و این مایه خوشحالی من (امام صادق) است.

«وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

اگر در غیر این صورت رفتار کنید بلا و ننگ آن به ما می‌رسد و می‌گویند که امام صادق نتوانسته است شیعیان خود را تربیت کند.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۶۳۶، ح ۵

اگر برخورد شما با اهل سنت زشت و وقیح و تند باشد، به آنها توهین کنید و اهمیت ندهید بلا و ننگ آن گرفتار من می‌شود و می‌گویند که امام صادق نتوانسته شیعیان خود را تربیت کند.

امروزه اگر ما اخلاق خوب داشته باشیم و برخوردمان برخورد خوب باشد، همگی به حساب مذهب ما نوشته می‌شود. همچنین اگر برخوردها، برخوردی نادرست باشد همگی به حساب مذهب نوشته می‌شود. کاری ندارند فلان آخوند چه بوده و چه نبوده است!

پرسشها و پاسخها

با ذکر صلواتی به سراغ سؤالات عزیزان می‌رویم.

پرسش:

آغاز امامت امام زمان با شهادت امام قبل همراه است. آیا این ایام شادی دارد؟ آیا بعد از شهادت حضرت امیرالمؤمنین برای آغاز امامت امام حسن مجتبی شادی دارد؟ آیا این سیره اهل بیت (علیهم السلام) است؟

پاسخ:

بحث امامت حضرت ولی عصر با امامت دیگر ائمه اطهار خیلی تفاوت دارد. حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) این ویژگی را دارد که برانداختن حکومت‌های طاغوتی و تأسیس حکومت جهانی عدل؛

(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)

تا او را بر همه آئین‌ها غالب گرداند.

سوره توبه (۹): آیه ۳۳

به دست او رقم می‌خورد. آغاز ولایت حضرت ولی عصر در حقیقت نویدی برای آن حکومت جهانی که در سراسر جهان جز شهادت «لا إله إلا الله» و «محمد رسول الله» چیز دیگری شنیده نخواهد شد. بنابراین این قضیه با شهادت دیگر ائمه اطهار خیلی تفاوت دارد.

پرسش:

چطور می‌شود در بحث امامت تحصیل کرد؟ چه مؤسساتی و چه رشته‌هایی؟

پاسخ:

در رابطه با امامت که همیشه دوستان از من پرسیدند که از کجا شروع کنیم، بنده کتاب «مرحوم شرف الدین» به نام «المراجعات» را خدمت دوستان توصیه می‌کنم و این کتاب را بهترین کتاب یافته‌ام.

این کتاب هم مؤدب است، هم مستدل است و هم دو شخصیت مبرز از اهل سنت و شیعه در دو طرف قرار گرفته‌اند. در یک طرف رئیس دانشگاه الأزهر استاد بزرگ آن دانشگاه «سلیم بشری» قرار دارد و در طرف دیگر «مرحوم شرف الدین» قرار دارد و روال کار مکاتبه است، مناظره نیست.

«علامه شرف الدین» در دفاع از اهل بیت هرآنچه برایش مقدور است را به مدت یک ماه مطالعه می‌کند و برای او می‌نویسد. «سلیم بشری» هم دو هفته تا یک ماه کار می‌کند و هرآنچه در دست دارد در دفاع از خلفا مطرح می‌کند. عاقبت «سلیم بشری» اعتراف می‌کند: «علامه شرف الدین» ادله تو کافی بود، من به مذهب شیعه مشرف شدم!»

طبق آماري که بنده دارم بیشتر افرادی که در طول این صد سال اخیر شیعه شدند، به برکت این کتاب بوده است. اگر شما به سایت «مرکز ابحاث عقائدية» بروید، می‌بینید که کتابی تحت عنوان «موسوعة من حياة المستبصرين» نوشته شده است که حدود دوازده جلد از این کتاب به چاپ رسیده است.

در شرح حال اساتید بزرگ دانشگاه‌ها و علمای بزرگ اهل سنت که شیعه شدند، وارد شده است که شاید بیش از هفتاد درصدشان می‌گویند که با مطالعه این کتاب شیعه شدند. این کتاب، کتاب بسیار خوبی است و ارزش آن را دارد که با مقداری تغییرات کتاب درسی حوزه علمیه باشد.

«علامه عسکری» کتابی به نام «معالم المدرستین» دارد. ایشان مدرسه خلفا را در یک کفه گذاشته است و مدرسه اهل بیت را در کفه دیگر گذاشته است و مقایسه قشنگی دارد.

برهان قیاس یا برهان مقایسه‌ای برهان مبارکی است. برهان در چندین آیه قرآن کریم وارد شده است.

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ)

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟

سوره زمر (۳۹): آیه ۹

و:

(هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ)

ظلمت‌ها و نور برابرند؟

سوره رعد (۱۳): آیه ۱۶

این برهان ذهن طرف مقابل را به کار می‌اندازد تا به دنبال تحقیق و بررسی برود. بنابراین «علامه عسکری» در کتاب «معالم المدرستین» از روش مقایسه استفاده کرده است. این کتاب که در سه جلد به چاپ رسیده است، بسیار کتاب خوبی است.

در مورد شبهات جدیدترین کتابی که مفصل نوشته شده است، کتاب «نقد قفاری» یا «نقد اصول مذهب الشیعة الإثنی عشریة» است که در سه جلد به چاپ رسیده است. اگر دوستان حوصله داشته باشند این کتاب را مطالعه کنند، بد نیست.

پرسش:

به نظر می‌رسد اهل سنت بیشتر از ما نگران شیعه شدن مردمانشان هستند، اما فرمایشات شما در نقطه مقابل آن است و شیعه در میان اهل سنت بیشتر رواج دارد. آیا مذهب شیعه امروز بیشتر رواج نیافته است؟

پاسخ:

البته به برکت نظام جمهوری اسلامی و نشر فرهنگ اهل بیت این کار اتفاق افتاده است. امام رضا فرموده است و به ما هم مربوط نیست.

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۱، ص ۳۰۷، ح ۶۹

همچنین در زیارت ائمه اطهار وارد شده است:

«كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَمُ وَ شَأْنُكُمْ

الْحَقُّ وَ الصَّدْقُ وَ الرَّفْقُ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۲، ص ۲۷۷، ح ۱

زمانی که مردم معارف اهل بیت را ببینند، کسانی که واقعاً مریض نیستند و عناد و لجاجت ندارند و به دنبال حق هستند به طرف مذهب شیعه می‌آیند.

من بارها گفتم وقتی که در ماه مبارک رمضان به مکه می‌رفتیم، با دانشجویان دانشگاه أم القری که بعد از دانشگاه «محمد بن سعود» بزرگ‌ترین دانشگاه عربستان است و فارغ التحصیلان آن امام جمعه و قاضی و سفیر می‌شوند بحث می‌کردیم.

آن‌ها با ماشین کنار «هتل الرواسی» که بعثه مقام معظم رهبری در آنجا بود می‌آمدند و با اصرار مرا در ماشین سوار می‌کردند و به خوابگاه دانشگاه می‌رفتیم.

ما در آنجا از ساعت ده و یازده شب تا سحر بحث می‌کردیم و سحری مفصلی هم می‌آوردند به طوری که تا به حال چنین غذاهای لذیذی نخورده بودیم. بعد از خوردن سحری باز هم سوار ماشین می‌شدیم و کنار بیت الله الحرام نماز صبح می‌خواندیم و از همدیگر جدا می‌شدیم.

جناب آقای «نواب» که الآن در بخش مدیریت هستند، در آن زمان مسئول بعثه مقام معظم رهبری بودند. ایشان به من گفتند: آقای قزوینی آخر وهابی‌ها تو را می‌کشند! رفتن شما به خوابگاه و مطرح کردن بحث ولایت و امامت همانند رفتن در لانه زنبور است.

بنده گفتم: جناب آقای «نواب»! اولاً شهید شدن در راه ولایت آرزو است که خون کثیف ما در این مسیر ریخته شود. ثانیاً جوانان وهابی برای به دست آوردن حقایق صد برابر از جوانان ما بیشتر تمایل دارند.

وقتی این جوانان احساس می‌کنند کسی مطالب را «مَحَاسِنَ کَلَامِنَا» مطرح می‌کند به آن گوش می‌دهند. من که اصلاً خودم بلد نیستم دانشگاه کجاست و خوابگاه کجاست! این دانشجویان می‌آیند با التماس مرا به آنجا می‌برند. زمانی که جلسات تمام می‌شود، آن‌ها می‌پرسند که دوبرتبه کی به مکه برمی‌گردید تا ما جلسات خود را ادامه بدهیم؟ گاهی اوقات ما بعد از نماز عشاء تا قبل از نماز تراویح آن‌ها بالای پشت بام مکه می‌رفتیم و چندین تن از دانشجویان اطراف ما می‌نشستند، سؤال می‌کردند و بنده پاسخ می‌دادم و از این کار لذت می‌بردم.

روزی همان زمان به جناب آقای «ری شهری» قضیه‌ای را گفتم. یکی از دانشجویان جمله زیبایی گفت. او گفت: دکتر «ابو مهدی»! شما افتخار کنید رهبری دارید که می‌گوید آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، اما رهبران ما برای نوکری آمریکا افتخار می‌کنند. من فایل صوتی صدای این دانشجو را هنوز هم دارم. او در ادامه گفت: اگر نزد آیت الله خامنه‌ای رفتید، از طرف ما دست ایشان را ببوسید و به ایشان بگویید ما دانشجویان دانشگاه أم القری به رهبرانی مثل شما افتخار می‌کنیم!

ببینید که صحبت کردن چقدر اثرگذار است. متأسفانه بعضاً ما به دنبال این هستیم که دوست را به بی‌تفاوتی، بی‌تفاوت را به مخالف و مخالف را به دشمن تبدیل کنیم. اگر لغزشی از کسی ببینیم به قدری آن را بزرگ می‌کنیم که او را نابود کنیم.

«مرحوم علامه عسکری» صاحب «معالم المدرستین» در مدرسه معصومیه تنها یک جمله گفته بود که سند زیارت عاشورا چنین و چنان است! حوزه علمیه علیه او قیامت برپا کرد و تمام تلاش‌های شصت هفتاد ساله این مرد بزرگ را نادیده گرفت.

«حاج آقای بوشهری» به من زنگ زدند و گفتند: رابطه شما با «علامه عسکری» خوب است. مقداری این وضع را بخواه‌باید. در آن زمان بنده تهران در همایش هفته وحدت بودم و با «حاج آقای مقتدایی» بودیم که «علامه عسکری» و آقازاده ایشان «دکتر عسکری» کنار ما نشسته بودند. بنده به ایشان گفتم که به ما اجازه بدهید ده دقیقه با هم صحبت کنیم.

بنده به ایشان گفتم: قضیه چنین است. ایشان در جواب گفت: این چه حرفی است؟ من به زیارت عاشورا معتقد هستم. من مریض بودم و تا دم مرگ رفته بودم، اما دوستان ما با توسل به زیارت عاشورا شفای مرا از امام حسین گرفتند.

بنده تمام مطالب ایشان را یادداشت کردم و جلسه‌ای در دانشکده اصول الدین قم داشتیم. سپس این مباحث را در مدرسه فیضیه قم و دارالشفاء و مدرسه آیت الله گلپایگانی به صورت بیانیه چاپ کردیم و مقداری قضایا فروکش کرد.

آیت الله اشتهاوردی یکی از استخوان‌های حوزه علمیه بودند. بنده در سال ۱۳۴۹ در مدرسه فیضیه خدمت ایشان درس لمعه می‌خواندم. ایشان که مظهر اخلاق اسلامی بود، در جایی نوشته بودند: حدیث قرطاس در منابع شیعه نیامده است.

در مقابل، حوزه علمیه بلایی بر سر او آورد به طوری که به ایشان فحش می‌دادند و ایشان را لعنت می‌کردند. حوزه علمیه بساطی علیه ایشان درآورد که آن سرش ناپیدا بود.

در نهایت ما به منزل ایشان رفتیم و گفتیم: منابع شیعه این همه این روایت را نقل کرده است. ایشان جمله‌ای نوشتند و گفتند: من از این قضیه اطلاع نداشتم که این روایت در منابع شیعه آمده است.

ما حرف ایشان را به صورت بیانیه درست کردیم، در سطح حوزه علمیه پخش کردیم تا مقداری تبلیغات مخالفین فروکش کرد. بعضی افراد خودشان اهل کار نیستند و اگر ببینند کسی کار کرده است به دنبال این هستند که او را به زمین بزنند.

پرسش:

کلیپی از شما پخش شده است که از استادتان نقل قولی کرده اید که امام زمان در تهران به خانه‌ای رفت و آمد دارد و ازدواج کرده است.

پاسخ:

اولاً بنده در آنجا گفتم که نسبت به اینکه حضرت ولی عصر همسر و فرزند دارد سه نظریه وجود دارد؛ یک نظریه این است که معتقدند حضرت ولی عصر همسر و فرزند دارد و قطعاً روایت:

«التَّكَاخُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰۰، ص

۲۲۰، ح ۲۳

برای حضرت الگو است. بعد نقل کردم از حاج آقای «گل محمدی» - که استاد ما نبود - که مرد عارفی بود که خیلی زیاد در ریاضت بود.

ایشان می گفت: من علم دارم که کسی در تهران با دختری ازدواج کرده است به طوری که دختر و پدر و مادرش نمی دانند که ایشان حضرت ولی عصر است. یکی از اهل دین که حضرت را می شناخت، متوجه شد که ایشان حضرت ولی عصر است.

نظریه دوم این است که حضرت ازدواج نکرده است. نظریه سوم که بنده هم با آن موافقم این است که ما خبر نداریم حضرت ازدواج کرده است یا خیر.

ما نه دلیل قاطع داریم که حضرت ازدواج کرده است و نه دلیل قاطع داریم که حضرت ازدواج نکرده است. این نظریه شخصی من است!

روایات مربوط به «احمد الحسن» هم که آن ها رواج می دهند مبنی بر اینکه می گوید: من فرزند چهارم و پنجم حضرت مهدی هستم. ما تمام این روایات را بررسی کردیم، اما یک روایت صحیح پیدا نکردیم.

بنده بارها گفتم: اینکه ما بدانیم حضرت ولی عصر ازدواج کرده است یا خیر از واجبات نیست که ترک آن گناه باشد. ترک این قضیه هم گناه نیست که ما بخواهیم توبه کنیم و حتماً به دنبال آن برویم. آقایان صحبت بنده را تقطیع کردند و ابتدا و انتهای صحبت‌های بنده را از بین بردند و تنها قسمت وسط آن را کلیپ درست کردند و منتشر کردند. ما با این افراد چکار کنیم.

پرسش:

در مورد اعتبار «کامل الزیارات» توضیح بدهید.

پاسخ:

آیت الله خوئی در کتاب «معجم الرجال» چاپ اول می‌گوید: تمام راویان کتاب «کامل الزیارات» ثقه هستند و در آخر عمر خود از این نظریه برگشتند و ادعا کردند تنها مشایخ بلاواسطه ثقه هستند، نه مع الواسطه. متأسفانه در کتاب «معجم الرجال» که اخیراً در تهران چاپ شده است این نظریه اخیر آقای خوئی اعمال نشده است. نظر ما این است که قرینه 50 درصد یا 60 درصد توثیق مشایخ بلاواسطه ایشان را می‌توان اثبات کرد. ما نتوانستیم در «تفسیر علی بن ابراهیم» این قضیه را اثبات کنیم، علی‌رغم اینکه آیت الله خوئی تا آخر عمر معتقد بودند بر وثاقت تمام روات «تفسیر علی بن ابراهیم».

پرسش:

کسانی که بحث وحدت را قبول ندارند، می‌گویند که میان لعن و سب تفاوت وجود دارد. در اسلام از سب نهی شده است، اما لعن چنین نیست.

پاسخ:

بحث لعن و سب یک چیز است، و اینکه ما بیاییم در جلسات علنی بالای منبر یا ماهواره شروع به لعن کنیم، چیز دیگری است. آیا این کار احساسات اهل سنت را جریحه‌دار می‌کند یا نمی‌کند؟ آیا اهل سنت را نسبت شیعه بدبین می‌کند یا نمی‌کند؟ آیا کینه شیعه را در دل اهل سنت می‌کارد یا نمی‌کارد؟

ما دستور به لعن داریم، اما لعن باید بعد از نماز بین خود و خدا صورت بگیرد. ما در این خصوص روایات صحیحی از قول امام صادق (علیه السلام) داریم. در کتاب «تهذیب الأحکام» وارد شده است:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أُرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعاً مِنَ النِّسَاءِ - التَّيْمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُعْلَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هِنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ»

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۲، ص

۱۶۹، ۳۲۱

این روایت در کتاب «کافی» هم وارد شده است، اما سند روایت ضعف دارد. طبق این روایت امام صادق نه در بالای منبر، نه در مسجد، نه جلوی خانواده؛ بلکه بعد از هر نماز بر دشمنان خود لعن می‌کردند. شما اگر می‌خواهید لعن کنید، بعد از نماز هر چقدر دلتان خواست لعن کنید، اما بین خود و خدای خود لعن کنید.

در میان کتاب‌های اهل سنت «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد یازدهم صفحه ۵۳۶ نسبت به «رواجنی» که ثقه است، می‌نویسد:

«الشیخ العالم الصدوق محدث الشيعة أبو سعيد عباد بن يعقوب»

ایشان یکی از رجال «صحيح بخاری»، «سنن ترمذی» و «سنن ابن ماجه» است. ایشان می‌گوید:

«من لم يبرأ في صلاته كل يوم من أعداء آل محمد حشر معهم»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۱۱، ص

۵۳۶، باب ۵ الرواجنی

این شخص که یکی از روات اهل سنت است، می‌گوید: هرکسی بعد از نماز به دشمنان آل محمد لعن نکند، خداوند او را با همان شخص محشور خواهد کرد.

لعن و تبری از اعداء آل محمد بعد از نماز، در قنوت نماز سفارش شده است. همانطور که امیرالمؤمنین در نماز مغرب رکعت آخر زمانی که از رکوع بلند می‌شدند عده‌ای را لعنت می‌کردند.

رسول اکرم بعد از نماز صبح یا رکعت دوم بعضی از دشمنان خود را لعنت می‌فرمودند. لعن ائمه اطهار بر دشمنان بین خدای خودشان هست، نه در علن. لذا مقام معظم رهبری فرمودند: لعن علنی حرام و خلاف شرع است.

پرسش:

چگونه می‌شود که بین بحث وحدت و گفتن حقایق جمع کرد؟

پاسخ:

امیرالمؤمنین، هم حقایق را مطرح کردند و در ده خطبه امامت و ولایت خود را مطرح کرده است و از طرف دیگر از خلفا انتقاد فرموده است. حضرت به هیچ وجه از انتقاد به خلفا خودداری نکردند.

در فرمایشات «شهید مطهری» در کتاب «امامت و رهبری» وارد شده است از صفحه یازده و دوازده شروع می‌شود، بحث اختلافات را مطرح می‌کند و معنای اتحاد اسلامی را بیان می‌کنند و سپس می‌نویسند:

"ما که خود شیعه هستیم و افتخار پیروی ائمه اطهار را داریم. ما کوچک‌ترین چیزی حتی یک مستحب یا مکروه خود را به خاطر وحدت قابل مصالحه نمی‌دانیم. نه توقع کسی را در این زمینه می‌پذیریم و نه از دیگران انتظار

داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند. آنچه انتظار و آرزو داریم این است که محیط حسن تفاهم به وجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه و فلسفه و کلام و تفسیر و ادبیات داریم، بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم."

ایشان سپس از حضرت آیت الله بروجردی نقل می‌کند که هدف ما این است که چنین برخورد کنیم. سپس می‌نویسد:

"حضرت علی (علیه السلام) خود طرفدار وحدت و اتحاد اسلامی بود و قربانی و شهید وحدت شد و خود را فدای وحدت کرد و در قضیه حکمین خود را فدا کرد. با تمام این احوالات حضرت از اظهار و مطالبه حق خود و شکایت از ربایندگان آن خودداری نکرد و با کمال صراحت ابراز داشت و علاقه به اتحاد اسلامی را مانع آن قرار نداد. خطبه‌های فراوانی در «نهج البلاغه» شاهد این مدعاست. در عین حال این تظلم‌ها موجب نشد که از صف جماعت مسلمین در مقابل بیگانگان خارج شود."

خطبه سوم و خطبه صد و پنجاه و نامه پنجاه و دوم از کتاب «نهج البلاغه» را ملاحظه کنید. امیرالمؤمنین به صحابه در خصوص معاویه می‌فرمایند:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید.

در عین حال به صراحت و قاطعانه از او انتقاد می‌فرماید. بحث فحش و توهین و سب به دشمنان یک طرف است و تبیین حقایق در طرف دیگر است.

پرسش:

رفتار علمای ربانی برای ما الگو بوده است. با توجه به حضور علما در مراسمات فرحة الزهراء آیا رفتار علما را مجوز شرکت در این مراسمات بدانیم؟

پاسخ:

اصلاً و ابداً علمای بزرگ ما به هیچ وجه چنین کاری نمی‌کردند و این کاملاً مخالف است. نمونه‌ای از فرمایشات مراجع عظام تقلید است که بنده تک تک آن‌ها را استخراج کردم.

آیت الله سیستانی می‌فرمایند: «فلا ینبغی الإسارة الجدل هدی خارج إسارة البحث العلمی». مقام معظم رهبری هم فرمایشاتی دارند و آیت الله وحید خراسانی می‌فرمایند: «و واجبکم الشرعی أن تحسنوا معاشرک الذین ینطقون الشهادتین و ان اعتقدوا بکفرکم».

ما همچنین فرمایشات آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی گلپایگانی، آیت الله شبیری زنجانی، آیت الله سبحانی را تک تک آوردیم که همگی با این کار مخالف هستند.

حال اگر چندین طلبه عادی یا استادی که از قضیه خبر ندارد در این مجالس شرکت می‌کند، حسابشان جداست. الگوی ما مراجع عظام تقلید هستند. گفتار آن‌ها برای ما حجت است، نه گفتار کسانی که برخلاف نظر مراجع عمل می‌کنند.

پرسش:

نفس حضور در اینگونه مراسمات اشکال دارد؟

پاسخ:

اگر از بنده سؤال می‌کنید حضور در این مراسمات خلاف شرع بین و گناه واضح و آشکار است. همان فرمایش آیت الله بهجت در این زمینه برای ما ملاک است. اگر خدای ناکرده در این جلسات شرکت کنیم و به اندازه شرکتیمان در آن طرف دنیا نسبت به شیعه هتک حرمت شود در آن گناه سهیم هستیم و به همین اندازه ما خلاف شرع مرتکب شدیم.

پرسش:

اگر فرحة الزهرا بدون توهین به اهل سنت برگزار شود، بازهم اشکال دارد؟

پاسخ:

شما نشان بدهید جلسه‌ای چنین باشد اشکال ندارد. اگر جلسه‌ای است که ما در آن فضائل اهل بیت را بیان کنیم و تظلمات اهل بیت را مطرح کنیم، دیگر جلسه عید الزهرا نیست و جلسه نقل فضائل اهل بیت (علیهم السلام) است و خیلی خوب است.

پرسش:

تا به حال علمای شیعه در مقام پاسخگویی به شبهات بودند. شاید این روش تنها کافی نیست باید به صورت هجومی کار شود. شما به عنوان شخص فعال در این عرصه چه کارهایی به صورت هجومی انجام دادید؟

پاسخ:

بنده همیشه گفتم طبق تجربه‌ای که بنده دارم می‌گویم که روش‌های ما باید سه مرحله باشد. بنده عرض کردم که در داخل عربستان سعودی بیش از ۲۴۰ جلسه مناظره با فحول و هابیت داشتم. بنده با مفتی اعظم عربستان سعودی در طائف جلسه داشتم و یک ساعت جروبوت داشتیم و جناب آقای «نواب» هم کنار بنده نشسته بود.

بنده به این نتیجه رسیدم که کار باید سه مرحله داشته باشد؛ تبیین، دفاع و هجمه. شیعه می‌گوید که ادله ما بر امامت اهل بیت چیست. شیعه پاسخ می‌دهد که پاسخ‌های ما به شبهات چیست و شیعه می‌پرسد.

یا به تعبیری بصیرت افزایی، شبهه زدایی و تبیین حقایق است. بنابراین ما باید روی این سه مرحله کار کنیم تا به جای خوبی برسیم. این سه مرحله با هم یک مثلث مقدسی را تشکیل می‌دهند.

پرسش:

درباره لعن‌هایی که در زیارت عاشورا آمده است چه نظری دارید؟

پاسخ:

در آخر زیارت عاشورا آمده است:

«وَأَبْدَأُ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ»

فرازی از زیارت عاشورا

در این فراز وارد نشده است که مراد از «أَوْلًا» و «الثَّانِي» و «الثَّلَاثِ» و «الرَّابِعِ» چه کسانی هستند و نام برده نشده است.

در زمان «شیخ طوسی» علمای اهل سنت نزد حاکم وقت رفتند و شکایت کردند که ایشان در کتاب «مصباح المتهدج» لعن خلفا را آورده است. خلیفه وقت «المعتصم بالله» دستور داد که «شیخ طوسی» را احضار کنند.

خلیفه پرسید: ایشان در کجا خلفا را لعن کرده است؟ علمای اهل سنت گفتند: در کتاب «مصباح المتهدج» زیارت عاشورا را آورده است که در آن بر خلفا لعن شده است.

کتاب را باز کردند و به فراز «و اَبْدَأُ بِهٖ اَوَّلًا ثُمَّ التَّانِي وَ التَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ» رسیدند و گفتند که مراد از «اَوَّلًا» و «التَّانِي» و «التَّلَاثِ» و «الرَّابِعِ» خلفا هستند. «شیخ طوسی» چه جوابی داری؟

«شیخ طوسی» گفت: مگر گفتم که مراد از «اَوَّلًا» و «التَّانِي» و «التَّلَاثِ» و «الرَّابِعِ» خلفا است؟ علمای اهل سنت از نزد خود می‌گویند.

حاکم پرسید: اول ظالم چه کسی است؟ «شیخ طوسی» جواب داد: کسی که حضرت هابیل را کشت. دومین ظالم چه کسی است؟ «شیخ طوسی» جواب داد: کسی که ناقه حضرت صالح را پی کرد. و سومین ظالم کسی است که حضرت زکریا را میان درخت گذاشت و اراه کرد و چهارمین ظالم قاتل امیرالمؤمنین است.

خلیفه رو به علمای اهل سنت کرد و گفت: چه جوابی دارید؟ علمای اهل سنت گفتند: ما جوابی نداریم. خلیفه گفت: بلند شوید و جلسه را ترک کنید.

امام صادق در آن زمان که این فرمایش را فرمودند به فکر نجات «شیخ طوسی» بودند، به فکر ما بودند، به فکر وحدت هم بودند و به فکر برائت هم بودند.

بنده با یکی از وهابیت بحث می‌کردم و به او گفتم: به ما بگویید شما که معتقدید در عبارت؛

«و اَبْدَأُ بِهٖ اَوَّلًا ثُمَّ التَّانِي وَ التَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ»

مراد از «اَوَّلًا» ابوبکر است، مراد از «التَّانِي» عمر بن خطاب است، مراد از «التَّلَاثِ» عثمان است، حتماً مراد از «الرَّابِعِ» علی بن ابی طالب است. خلیفه چهارم علی بن ابی طالب است.

امام صادق کلمه «الرَّابِعِ» را آورده است و سپس کلمه «اللَّهُمَّ اَعْنُ يَزِيدَ خَامِسًا» را هم آورده است. این برای ما پیام است و «الرَّابِعِ» هم برای فرار ما از هجمه به اهل بیت.

بنابراین ما نباید رموزی که اهل بیت (علیهم السلام) آن‌ها را افشا نکردند، افشا کنیم. ما بیش از سی روایت از اهل بیت (علیهم السلام) داریم که می‌فرمایند: خدا لعنت کند شیعیانی که اسرار ما را افشا می‌کنند.

پرسش:

بعضی از علمای حاضر، قائل هستند که هیچگونه روایت جعلی در کتب اربعه وجود ندارد. همچنین آن‌ها قائل هستند که روایت ضعیف است، اما جعلی نیست.

پاسخ:

ما غیر از اخباری‌ها کسی را نداریم که بگویند تمام روایات کتب اربعه ضعیف است. «مرحوم شیخ طوسی» هم کتاب «تهذیب الأحکام» را نوشته است و هم کتاب «استبصار» را نوشته است. البته «استبصار» در رابطه با روایات متعارض است.

در بسیاری از روایات پیش آمده است که «کلینی» روایت را تضعیف می‌کند و می‌گوید: این روایت آمده است، ولی ضعیف است یا این روایت منسوخ شده است.

مرحوم آیت الله خوئی در جلد اول از کتاب «معجم رجال الحدیث» این افسانه را زیر سؤال برده است که تمام کتب اربعه ضعیف هستند.

پرسش:

«و باهتوهم» که در روایات مطرح شده است به چه معناست؟

پاسخ:

«باهتوهم» یک مرتبه به معنای این است که بهتان بزنی و یک مرتبه به معنای این است که دلیل بیاورید و آن‌ها را مبهوت کنید.

ما باید مقداری دقت کنیم، زیرا اینکه بفرمایند بهتان بزنی اصلاً با اصول مذهب و قرآن کریم سازگار نیست. شارع مقدس به ما اجازه نمی‌دهد به افراد تهمت و بهتان بزنی. بلکه اگر یک بدعت‌گزار همانند معاویه و «احمد الحسن» هست، ما باید حقایق را بیان کنیم.

پرسش:

چرا امیرالمؤمنین نام برخی از فرزندان خود را عمر و عثمان گذاشتند؟ آیا این دلیل بر رابطه دوستانه امام با خلفا نیست؟

پاسخ:

در آن زمان عمر و ابوبکر اسم رایج بوده است. در کتاب «الإصابة» اثر «ابن حجر عسقلانی» و کتاب «أسد الغابة» اثر «ابن اثیر» چه تعداد افرادی در میان صحابه داریم که نامشان ابوبکر است.

ما نزدیک به بیست و پنج تن از صحابه را داریم که عمر نام دارند. ما نزدیک به چهل تن از صحابه داریم که عثمان نام دارند. امیرالمؤمنین نام فرزند خود را عثمان می‌گذارد و می‌فرماید: من به خاطر «عثمان بن مظعون» نام فرزند خود را عثمان گذاشتم.

بنده بارها گفتم اینکه شما می‌گویید: "امیرالمؤمنین به خاطر علاقه به خلفا نام فرزند خود را هم نام آن‌ها گذاشته است"، آیا امیرالمؤمنین در یک روایت فرموده که من به خاطر علاقه خود به خلفا نام آن‌ها را روی فرزندانم گذاشتم؟ یا خلفا گفته‌اند که علی بن ابی طالب به خاطر علاقه‌ای که به ما دارد، نام فرزندان خود را هم نام ما

گذاشته است؟ آیا فرزندان امیرالمؤمنین فرموده‌اند که پدرمان به خاطر علاقه به خلفا نام آن‌ها را روی ما گذاشته است؟ ما باید مدرکی داشته باشیم. نه امیرالمؤمنین چنین ادعایی فرمودند، نه خلفا این حرف را زدند و نه فرزندان آن بزرگوار چنین ادعایی دارند.

حال این شخص بعد از هزار و چهارصد سال می‌خواهد رابطه امیرالمؤمنین را با خلفا تثبیت کند با این دلیل که امیرالمؤمنین نام فرزندان خود را هم نام خلفا گذاشته است!! این ادعاها هیچ مدرکی ندارند.

بنده به دوستان توصیه می‌کنم کسانی که از طریق موبایل یا کامپیوتر به اینترنت متصل هستند، از سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» غفلت نکنند. بنده تحدی می‌کنم و خدا را شاکر هستم که سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» در حوزه پاسخگویی به شبهات اولین حرف را در خاورمیانه می‌زند، نه تنها در قم.

شاید بیش از هشتصد سایت لینک شده است و مطالب ما را در سایت‌ها و وبلاگ‌های خودشان مطرح می‌کنند. خدایا تو را به آبروی حضرت زهراى مرضیه سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت ولی عصر را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما. خدایا بر سربازان اسلام به ویژه عزیزان ما در یمن پیروزی نهایی بر جبهه کفر و نفاق کرم عنایت بفرما.

خدایا بر همه بیماران شفای عاجل کرم فرما. خدایا حوائج حاجت مندان روا نما. خدایا به آبروی حضرت زهراى مرضیه حوائج ما را برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین، بالأخص امام راحل و دو یادگارش صلواتی ختم
بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته